

بررسی عقاید خرافی و خرافی

* عقیده خرافی در اسلام مردود است

* سوء استفاده از عقاید بی اساس؟

* فوائد نا پایدار!

* زیان عقاید خرافی



عقیده درام و مذهبی یا غیر مذهبی ، که همان دل بستگی است ، در قلب و دل انسان ریشه دارد . و تادل چیزی را باور نکنند و نفهمند ، به آن معتقد نمی گردند ؛ و همان طور که انسان تا محبت به شخصی نداشته باشد نمی توان دوستی او را بدل تحمیل کرد ، همچنین تا مطالبی را نفهمد ، با حالت شك و تردید نمی شود به او گفت نفهمید ، باین چیز عقیده مند شو ، و یکی از معانی آیه شریفه **«لا اکراه فی الدین»** همین است که عقیده دینی بادل ، بستگی دارد ؛ و قابل تحمیل نیست . آری انسان گاهی در اثر نادانی ، گرفتار تخیلات و موهومات شده ، و در نتیجه خوش باوری و مسامحه در راه تحقیق اسیر خرافات میگردد ، و بر مبنای تقلید کور کورانه از اجتماع ، و پیروی عامیانه از نیاکان ، عقیده خود را پایه گزاری نموده ، و در نتیجه ، باطل را حق پنداشته ، و دروادی ضلالت و گمراهی سرگردان می شود .

اعتقادی که بر اساس فطرت سلیم و واقع بینی و بر پایه تفکر صحیح ، و مبنای علمی و عقلی استوار است ، اعتقادی است حقیقی و واقعی ، و عقیده ای که از موهومات و مبانی غلط سرچشمه میگیرد ، اعتقادی است خرافی ، و برای تشخیص اعتقاد صحیح از خرافی ، باید به بررسی ریشه ها و مبانی آن پردازیم .

مثلاً انسان عقیده دارد که: روشنایی روز در اثر اشعه فروزان خورشید است، و نیز پاره‌ای از مردم معتقدند که سفره هفت‌سین، و روشن نمودن چراغ هنگام تحویل سال، در خوشبختی آنها مؤثر، و روز سیزده فروردین منحوس است. عقیده اول را که بررسی می‌نمائیم، می‌بینیم که آفتاب عالم‌تاب هنگامیکه چهره درخشان خود را بمانشان می‌دهد، نور و جلوه خاصی بر درو دیوار جهان ظاهر گشته. وزمین‌مار روشن می‌شود؛ و چون قیافه جذاب خود را از ما پنهان می‌سازد. تاریکی جهان را فرامی‌گیرد، از این همبستگی روشنایی روز با خورشید می‌فهمیم که این روشنایی از پرتو خورشید است. و به این نتیجه می‌رسیم که چون این اعتقاد ریشه حقیقی و واقعی داشته، اعتقادی است حقیقی.

و در بررسی عقیده دوم، هر چه قدر فکر می‌کنیم، ارتباطی بین سفره هفت‌سین، و خوشبختی و بین عدد سیزده و نحوست نمی‌یابیم، و اگر از صاحب عقیده هم پرسش نمائیم! او نیز دلیل صحیح عقلی یا نقلی، برای عقیده مند شدن باین مورد جز شنیدن از پدر و مادر و پیروی از سنن اجتماعی، و رسوم نیاکان ندارد، و در نتیجه می‌فهمیم، که این عقیده بی‌دلیل و خرافی است.

عقیده خرافی در اسلام هر دو داست

اعتقادی که مبنای صحیح علمی نداشته، و بر پایه او هام و خرافات پی‌ریزی شده از نظر اسلام هر دو داست؛ زیرا همانطور که سابقاً گفتیم: اسلام معارف خود را بر اساس فطرت و خنقت نهاد، و مسلماً در این جهان هر چه از مرز حق و واقعیت تجاوز نماید، جز گمراهی چیز دیگری نیست **فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ** (الاضلال- یونس ۳۳)

در شماره ۴ سال گذشته آیاتی را که بر این موضوع دلالت داشت، بیان نمودیم. و اینک اضافه می‌نمائیم: که در قرآن مجید، آیات بسیاری وجود دارد که از گفتار و اعتقاد بدون علم شدیداً جلوگیری نموده، و از مردمی که از این سخنان پیروی می‌نمایند انکوهش کرده. برای نمونه به ترجمه چند آیه می‌پردازیم:

۱-... گفتند خداوند برای خود فرزندی گرفته در حالی که باین موضوع برای آنان و پدرانشان علمی نیست، بزرگست سخنی که از دهانهای آنها خارج میشود

نمیگویند آنان مگر دروغ (کهف) ۵.

۲- بعضی از مردم کسانی هستند ، که جدال و نزاع مینمایند ، درباره خداوند بدون علم ، و از هر شیطان سرکش پیروی مینمایند (حج) ۴ .

۳- (و مردمیکه ملائکه را دختران خدا می نامند) برای آنها علمی به این نسبت نیست ، فقط آنان پیروی از ظن و گمان می نمایند ، و تحقیقاً ظن چیزی را از حق بی نیاز نمیسازد (نجم) ۳۵ .

بنابراین از نظر اسلام ، در اعتقادات جز دلیل عقلی ، یا نقلی (۱) که علم آور و اطمینان بخش باشد ، پذیرفته نیست .

سوء استفاده از عقاید بی اساس !

شاید بعضی از مردم بگویند : آنچه برای مردم ضرورت دارد ، ایمان بمقدسات مذهبی ، و عقیده به اصول دین است ، خواه از روی دلیل صحیح و منطقی باشد یا نه !

زیرا فوایدی که از ایمان صحیح و مستدل به دست می آید بر این عقاید بی-دلیل نیز مترتب است !

مثلاً بعضی از مردم ، به خدا و روز جزا عقیده دارند ، و دلیل اساسی

(۱) دلیلهای نقلی ما ، عبارتست از قرآن مجید ، و اخبار و روایاتی که از پیشوایان دینی رسیده .

قرآن مجید « پس از ثبوت اعجاز آن » دلیلی است علمی ، یعنی : برای کسانی که قرآن را کتاب الهی میدانند مفاد آن صددرصد مطابق واقع است . اما روایات و اخبار ؛ دسته ای از آنها مانند خبر متواتر عدد آنها بقدری زیاد است ، که انسان یقین می نماید ، این روایات از منبع وحی رسیده است . و دسته ای از آنها از نظر عدد این اندازه زیاد نیستند ، ولی قرائن و شواهدی همانند مطابقت مضمون آنها با کتاب الهی ، وجود دارد ، که صحت و واقعیت آنها را می فهماند .

این دو دسته از احادیث مانند قرآن مجید ، دلیل علمی می باشند ، و در مورد عقاید ، می توان به آنها استناد نمود .

غیر از تعقید پدر و مادر و تبعیت از محیط و اجتماع ندارند ، ولی آثار ایمان واقعی مستدل ، از قبیل آرامش دل ، واستقامت و مجاهده در راه عقیده ؛ و انجام کارهای شایسته ، و اجتناب از گناهان ، بر همین عقیده تقلیدی بار است ، و همچنین بیماری که معتقد است : توسل به فلان سنگ و یا فلان درخت ثمر بخش است ؛ و به آن متوسل می شود همین اعتقاد خرافی موجب امید او شده ، بلکه ممکن است این امید در بهبودی او مؤثر باشد .

بنا بر این چه لزومی دارد ، که ما مردم را منطقی بار آورده ، گاهی در دلیل آنان تشکیک کرده ، و زمانی عقیده آنان را از مغزشان خارج سازیم .
در پاسخ این سخن ، باید بگوئیم : اولاً اسلام می خواهد مردم به حقایق جهان ، از راه صحیح واقع بینی و حقیقت جوئی معتقد شوند ، و فطرت سلیم کنجکاو حق طلب خود را زنده نگه دارند و بعبارت دیگر ؛ به حق باید از راه حق رسید ؛ نه از راه باطل ؛ و پیروی از راه حق و معرفت صحیح به حقایق ، بزرگترین هدف خلقت ، و از هر فائده ای مفیدتر بوده ؛ و اسلام با این سوء استفاده شدیداً مخالف است .

فوائد ناپایدار

ثانیاً نباید از نتایج و فوائد ظاهری ، که گاهی بر عقاید بدون دلیل ، و احیاناً بر عقاید خرافی بار می شود ، دل خوش بود ، زیرا این فوائد ناپایدار بوده ، دوام و ثباتی نخواهد داشت ؛ مردمی که امروز به پیروی از پدر و مادر بخدا و روز جزا معتقد شوند ، فردا باقتضای محیط و اجتماع از خدا و دین حق بریده ، و راه باطلی را پیش می گیرند اگر کسی امروز از راه خواب که دلیل صحیح نیست ، به دین حق ایمان آورده و یا از کارهای زشت توبه نمود ، و راه صلاح و سعادت گرفت ، فردا ممکن است با یک خواب دیگر از دین حق بریده و سرسپرده و مرید یک شیاد و شعبده باز شده و بیک مسلک باطل بپیوندد .

چنانچه اگر اطفال خود را با ترسانیدن از لولو آرام و ساکت نموده ، و از رفتن به کنار حوض جاو گیری کردید ، این ترس از یک امر غیر واقعی در او اثر گذاشته ، و در بزرگی از غول بیابان در شب تار می ترسد ، و در نتیجه یک

فرد ترسواز کار درمیآید .

مثل نتایج و آثاری که بر این عقاید بی اساس و پوچ بار می شود مانند درخت بی ریشه ای است در روی زمین که برای او دوام و قراری نیست؛ و در مقابل مثل عقاید واقعی مانند درخت برومندی است ، که ریشه آن در دل زمین جای گرفته ، و شاخهای آن سر به آسمان کشیده و از میوه های خود مردم را برخوردار میسازد (۱)

زیان عقاید خرافی

یکی از بزرگترین زیانهای که این عقاید دارند ؛ این است که استقلال فکر را که سرمنشأ سادت مادی و معنوی است، از افراد گرفته ، و رشد عقلی آنان را متوقف می سازد . در نتیجه در مقام عمل ، صاحبان این عقاید یا زندگی خود را بر اساس تقایید از دیگران قرار داده ، و در تمام شئون مادی و معنوی، از افکار فلسفی تا امور ورزشی خود را تسلیم نظریه بیگانگان می نمایند، و یا مردمی مایوس از ترقی و نویند از پیشرفت باز آمده ؛ و دست از هر گونه کوشش و فعالیت کشیده ، و هیچ کار مثبتی انجام نمی دهند، زیرا خوشبختی دیگران را مولود سر نوشت آنان دانسته ، و حریمیت و عقب افتادگی خود را زائیده شانس بد، و معلول بخت سیاه و اقبال بد خود می پندارند .

و اگر این دسته از مردم کار مثبتی هم انجام دهند ؛ چون دارای تفکر صحیح نیستند ، به کارهای کم اهمیت یا بی اهمیت، بلکه بی ارزش پرداخته ، و به کارهای اساسی که سرچشمه سعادت دین و دنیای آنها است، دست نزده، و بجای اینکه پایه های ویران شده خانه خود را محکم نمایند، بنقش و نگارایوان مشغول می شوند. افراد زیرک و هوشیار نمونه های فراوانی، از اینگونه کارها در اجتماع خود مشاهده می نمایند، و شرح آنها از حدود این مقاله خارج است .

(۱) الم تر کیف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء... و مثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة اجنت من فوق الارض مالمها من قرار (ابراهيم ۳۰ - ۳۳)